1395.12.24

بسم الله الرحمن الرحیم

خلاصه مباحث

استاد در این جلسه پس از نقل اشکال دور در افق ذهن جاعل، اصل موضوع لزوم تحقّق متصوَّر ماورای تصوّر را زیر سؤال بوده و بیان می کنند: متصوَّر می تواند قضیه ای کلی باشد که یکی از مصادیق آن نفس تصوّر و ما ینشأ من التصوّر باشد. به همین علت، تصوّر قصد امر متوقّف بر وجود امر ماورای نفس این امر نیست و می تواند شامل امر ایجاد شده به همین جعل را نیز شامل باشد.

ایشان در ادامه با نقل کلام محقق نائینی در عدم کفایت امتثال اجمالی و احتیاط با تکرار عمل در فرض تمکّن از تحصیل علم تفصیلی و قصد امر جزمی، این سخن را صحیح ندانسته و اغراض مختلفی را مترتّب بر امتثال اجمالی و احتیاط با تمکّن از علم تفصیلی می دانند.

احتیاط در عبادات

شهید صدر در بحث احتیاط در عبادات، سه صورت را در قصد قربت تصویر می کنند. یا مطلق داعی قربی برای تحقق قصد قربت کافی است یا داعی قربی به قصد امر جزمی به عنوان واقعی لازم است یا داعی قربی به قصد امر جزمی و لو این امر جزمی، امر به احتیاط باشد، قصد قربت را تحقق می بخشد. ایشان بیان می کند: بنا بر فرض اول که فرضی صحیح است، دیگر اشکال احتیاط در عبادات که توقف قصد قربت بر امر بود، جریان ندارد.

در جلسه گذشته بیان شد: با این سبک بحث، مشکل حل نمی شود زیرا به هر حال قصد امر کفایت می کند و قصد امر یکی از مصادیق داعی و قصد قربت است و صدق این مصداق از طبیعت کلی متوقف بر امر است. این اشکال همانگونه که شهید صدر نیز بیان کرده، همان اشکال عام تعبّدی و توصلِّی است که در قالبی خاص تقریب شده و با دقت روشن می شود؛ این اشکال به همان اشکال عام بازگشت دارد. وجه تکرار اشکال تعبّدی در بحث احتیاط به این جهت است که فهم وحدت این دو اشکال نیازمند دقت است و در ظاهر اشکالی مجزا از اشکال تعبّدی و توصّلی است.

اشکال مطرح در احتیاط در عبادات، اشکال دور است. دور به تقریب اول آن که دور حقیقی بود، در جلسه گذشته بیان و بررسی شد. در این جلسه اشکال دور در افق جاعل را بیان و بررسی می کنیم.

**دور در افق ذهن جاعل**

همانگونه که دور نامعقول است، علم به دور نیز نامعقول است. امر عبادی به احتیاط نیز هر چند متضمّن دور حقیقی نباشد اما دور در افق جاعل و علم به دور را در بر دارد. برای توضیح اشکال دور، بیان این نکته لازم است که متصوَّر و آن چیزی که تصوّر می شود، باید منهای تصوّر در خارج وجود داشته باشد و لو در زمان آینده. به این معنا که متصوِّر تنها می تواند چیزی

را تصوّر کند که ماورای تصوّر، در وعاء خود وجودی داشته باشد. در غیر این صورت تصوّر محال بوده و معقول نیست. با این مقدمه اشکال دور این گونه تقریب می شود:

امر به یک شیء و عملیه جعل متوقف بر تصور موضوع، متعلّق و قیود تکلیف است. پس امر متوقّف بر تصوّر قصد قربت است در حالی که تصوّر قصد قربت متوقّف بر امر است و بدون امر قابل تصوّر نیست زیرا وجودی ندارد تا بتوان آن را تصوّر کرد. پس در افق ذهن جاعل، دور تصویر می شود. شاید تعبیر شهید صدر به «ما یشبه الدور»[[1]](#footnote-1) ناظر به همین بیان باشد.

**پاسخ به اشکال دور**

پاسخ این اشکال واضح است زیرا تصوّر متوقّف بر وجود متصوّر ما ورای تصوّر نیست و ممکن است چیزی تصوّر شود که با خود تصوّر ایجاد می شود. ممکن است متصوّر ما طبیعت کلیه ای باشد که شامل خود تصوّر و ما ینشأ من التصوّر نیز باشد. مثلا تصوّر موجود شامل خود تصوّر نیز می شود زیرا بر تصوّر من نیز موجود صدق می کند. حتی تصوّر الموجود الذهنی نیز شامل نفس این تصوّر می باشد. بنابراین اصل موضوع لزوم تحقّق متصوّر منهای تصوّر، صحیح نبوده و متصوّر می تواند طبیعت کلیه ای باشد که یکی از مصادیق آن نفس تصوّر باشد.

**پارادوکس کل کلامی کاذب**

شبیه به این بحث در پارادوکس معروف «کل کلامی کاذب» جاری است. یکی از پاسخ هایی که به این قضیه داده شده، این است که «کل کلامی کاذب» شامل خودش نیست و هیچ قضیه ای نمی تواند ناظر به خودش باشد. اما این پاسخ صحیح نبوده و مانعی ندارد طبیعت کلیه کلامی خود این کلام را نیز شامل شود و لو این کلام معلول تصوّر آن و بیان آن باشد.

**تطبیق پاسخ در احتیاط**

برای عملیه جعل تصوّر موضوع و قیود تکلیف لازم است. جاعل با تصوّر عنوان کلی مطلق داعی قربی، یکی از مصادیق آن را که امر ایجاد می شود، تصوّر کرده است. پس لازم نیست قصد امر با قطع نظر از امر وجود داشته باشد تا بتوان آن را تصوّر کرد.

بنابراین امکان دارد متصوَّر مفهومی داشته باشد که شامل نفس تصوّر و معلول تصوّر ( امر ناشی از تصوّر) نیز باشد و اشکال علم به دور به هیچ وجه صحیح نیست. همانگونه که بیان شد، این اشکال و اشکالات نظیر آن، متوقّف بر اصول موضوعه ای هستند که نفس اصول موضوعه صحیح نبوده و نیازمند بررسی می باشند.

در ادامه شهید صدر وارد صور مختلف مطلب شده اند که ما وارد بحث از آنها نمی شویم.

**کفایت امتثال اجمالی با تمکّن از امتثال تفصیلی**

مرحوم نائینی[[2]](#footnote-2) مطلبی را معتقد است که با فرض امکان تحصیل علم و امتثال تفصیلی و قصد امر جزمی، احتیاط و امتثال اجمالی کافی نیست. ایشان قائل است عقل انسان در امتثال مراتب قائل است و در مرتبه اول تحصیل علم و امتثال تفصیلی را لازم دانسته و در فرض عدم امکان، امتثال اجمالی و احتیاط را کافی می داند.

یکی از استدلالاتی که برای این مدعا بیان شده، لعب به امر مولی بودن احتیاط با تمکّن از امتثال تفصیلی است. اما همانگونه که بیان شده است، احتیاط به هیچ وجه لعب به امر مولی نیست و عقل نیز قائل به سلسله مراتب در امتثال نیست.

مخصوصا در مواردی که مؤونه تحصیل یقین بیش از احتیاط باشد، به هیچ وجه احتیاط لعب به امر مولی شمرده نمی شود. به عنوان نمونه بنده در موارد وضوی جبیره ای و تیمّم چون تحصیل یقین با رجوع به ادله و یافتن حق در مطلب در این موارد سخت است، همیشه احتیاط کرده و هم وضوی جبیره ای انجام می دهم و هم تیمّم می کنم. نماز مسافر نیز از همین موارد است و جمع بین قصر و اتمام از تحصیل حق در مطلب آسان تر است.

از سویی دیگر گاه نظر انسان مصاب نبوده و تغییر می کند در این موارد احتیاط موجب آرامش خاطر انسان است که با فرض انجام عمل مطابق نظر اول و تغییر آن، تصحیح این عمل نیازمند پذیرش اجزاست و با فرض نپذیرفتن آن، تکرار و قضای عمل لازم خواهد بود.

حتی اگر انگیزه های عقلایی و عمومی در احتیاط وجود نداشته باشد، گاه در احتیاط انگیزه هایی شخصی وجود دارد. مثلا شخصی به نماز علاقه مند است و به جای خواندن نماز مستحبی، احتیاط کرده و نماز را تکرار می کند.

در نتیجه تکرار عبادت و احتیاط، به هیچ وجه لعب به امر مولا نیست و از نظر عقلی اشکالی ندارد.[[3]](#footnote-3)

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

1. بحوث في علم الأصول، ج‏5، ص: 120 [↑](#footnote-ref-1)
2. أجود التقريرات، ج‏2، ص: 44 [↑](#footnote-ref-2)
3. یک ضرب المثلی بین قمی ها و تهرانی هست. تهرانی ها به خدا می گویند: پول بهت می دهم دو رکعت نماز برات نمی خوانم. قمی ها به خدا می گویند: هر چقدر بخواهی برات نماز می خوانم دو زار پول هم بهت نمی دهم. معلوم هست که عبادت کردن برای قمی جماعت خیلی سخت نیست و پول دادن در راه خدا برایش سخت است.

حالا به تناسبت قصه ای را تعریف کنم. آقای آقا سید باقر موسوی درچه ای می گوید قصه ای تعریف می کرد می گفت: یک بار آقا سید حسین حسینی قمی به من گفت: بعضی از وقت ها برای اینکه یک کاری را حتما بکنم مثلا ده ملیون تومان نذر می کنم که حتما آن کار را انجام بدهم. آقا سید باقر می گفت: که ده ملیون نمی خواهد من با هزار تومن چه کارهایی که نمی کنم! آقای موسوی درجه ای یک روز برای جلسه تفسیر دفتر آمده بود. ایشان می گفت: امروز آقا سید حسین حسینی زنگ زد گفت که من خارج بودم یک بار در یکی از سخنرانی ها گفتم: من با یکی از رفقا با هم صحبت می کردیم گفتم که وقتی می خواهم یک کاری را حتما انجام بدهم ده ملیون تومان نذر می کنم. رفیق ما گفت که ده ملیون تومان نمی خواهد که من با هزار تومان چه کارهایی که نمی کنم. همه جماعت گفتند که اصفهانی نبود؟

 یکی از داماد های ما اصفهانی هستند به خصوص بعضی از فامیل هایشان ساکن اصفهان هستند و طول هفته اصفهان هستند و اتفاقا اهل اهل بذل و بخشش خستند و خدمات بسیار گسترده ای دارند. یک بار این شوخی را به عنوان متلک اصفهانی ها برای آقای دیانی نقل کردم. آقای دیّانی گفت: پدر آقای آقا سید باقر جزو افراد کم نظیر در اسفهان بودند و جنبه پدری برای طلبه ها دارد. بسیار از طلبه هایی که از جهت مالی مشکل دارند دستگیری می کند. آسید باقر موسوی نیزدر نمقام شوخی این حرف را زده ولی خانوادتا یک خانواده اهل توجه و دستگیری هستند. [↑](#footnote-ref-3)